

تاریخ: ۱۳۸۹، ۱۱، ۲۴

شماره: ۱۷۲، ۸۹، ۵۵



دائرة

ورود به دبیرخانه شورای نگهبان

بسمه تعالی

۸۹، ۱۱، ۲۴

شماره ثبت:

صبح ۸۹، ۱۲، ۲۲
عصر

تاریخ ثبت:

مدیریت محترم کل دبیرخانه شورای نگهبان

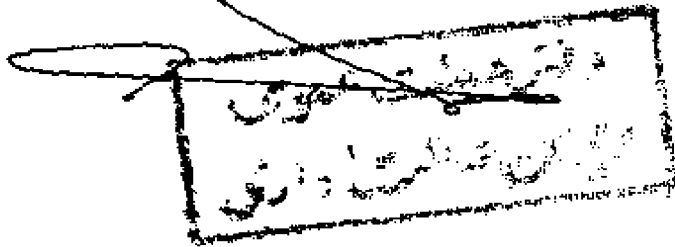
با اهداء سلام:

بازگشت به نامه شماره مورخ ۸۹، ۱۲، ۲۲ مورخ ۸۹، ۱۱، ۲۴ به پیوست

تصویر دادنامه شماره مورخ ۸۹، ۱۲، ۲۲ هیئت عمومی دیوان

عدالت اداری جهت اطلاع و اقدام مقتضی ارسال می شود. /

دفتر هیات عمومی دیوان عدالت اداری





فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ: ۱۳۸۹/۱۰/۲۷

کلاس پرونده: ۱۷۴/۸۹

شماره دادنامه: ۴۶۲

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای علی ملایی.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبه شماره ۴۳۸۵۰/۲۷۰۳۵ مورخ ۸۹/۲/۸ هیأت وزیران.

گردشکار: آقای علی ملایی به موجب درخواست تقدیمی اشعار داشته: هیأت وزیران جمهوری اسلامی ایران، به موجب متن شماره ۴۳۸۵۰/۲۷۰۳۵ مورخ ۸۹/۲/۸ آیین نامه رسیدگی به دارایی مقامات و مدیران و مشمولین اصل ۴۹ قانون اساسی را موافقت نموده است که به جهات ذیل محل تامل، مغایر قانون و خلاف موازین شرع انور اسلام می باشد.

۱- آنچه که در اصل ۱۳۸ قانون اساسی، به عنوان تکلیف و اختیار هیأت وزیران به هیأت اجتماع و شخص وزیر به نحو انفراد مقرر گردیده است، وضع تصویب نامه و آیین نامه است نه موافقت با آیین نامه و علاوه بر آن سیاق فعل موافقت، موهم این امر است که آیین نامه در مرجعی خارج از هیأت وزیران وضع و تصویب شده که هیأت دولت با آن موافقت نموده است، که این ترتیب جایگاه قانونی ندارد.

۲- در اصل ۴۹ قانون اساسی، تدوین وضع و تصویب آیین نامه اجرایی مقرر نگردیده است تا بر فرض جواز دولت با استفاده از اختیارات حاصل از جواز مرقوم و عموم و اطلاق اصل ۱۳۸ قانون اساسی دولت موظف و یا با استفاده از اصل تخییر اقدام به وضع آیین نامه نماید. از این جهت آیین نامه مرقوم نمی تواند بر مبنای اصل ۴۹ قانون اساسی قابل توجیه باشد.

۳- هر چند طلیعه اصل ۴۹ قانون اساسی، با عنوان دولت (موظف است) شروع شده لیکن با توجه به سیاق الفاظ و عبارت مستعمل در متن اصل مرقوم به نظر می رسد که مراد مقنن در این خصوص دولت به معنای عام آن و به تعبیر حاکمیت نظام جمهوری اسلامی است و نه قوه مجریه و هیأت وزیران زیرا مجموعه دولت در معنی قوه مجریه، فاقد ظرفیت و قابلیت رسیدگی و احراز عناوین مجرمانه و صدور حکم در خصوص آنها

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

می‌باشد. همان گونه که به قرینه مندرج در اصل ۵۳ قانون اساسی مراد از دولت، مجموعه نظام جمهوری اسلامی ایران شامل قوای ثلاثه و ارکان آن می‌باشد، چه اگر غیر این باشد قوه قضائیه یا نیروهای مسلح تکلیفی در واریز دریافتی‌های خود به خزانه نخواهند داشت و به همین اعتبار است که قوه مقننه به موجب قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی، مسئولیت اجرای اصل ۴۹ مرقوم را به قوه قضائیه واگذار نموده، هر چند که در دستگاه‌های قوه مجریه در این مورد عهده‌دار تکالیف اعلام مصادیق و یا اجرای احکام صادره گردیده‌اند و اصولاً به موجب مقررات قانون مذکور دولت به معنای قوه مجریه، در زمینه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مستقلاً مواجه با تکلیفی نشده است تا به اعتبار آن مجاز و مکلف به وضع آیین‌نامه اجرایی بوده باشد.

علاوه بر آن با توجه به اصول ناظر به تضمین حقوق اساسی اشخاص از جمله اصول ۲۲ و ۲۸ و تکلیف نظام بر رعایت حقوق ناشی از اصول مذکور به شرح اصل ۴۳ قانون اساسی و نیز به تصریح ماده ۲ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی اصل بر صحت اعمال اشخاص و مشروعیت دارایی آنان و مصونیت از هرگونه تعرض می‌باشد. با این حال مقررات ماده یک آیین‌نامه مورد درخواست ابطال، بدون توجه به مراتب مذکور در مقام تعرض به اموال اشخاص مشمول بدون جواز قانونی بر آمده است که به نظر خلاف موازین شرعی و قانونی می‌باشد.

عناوین سوء استفاده، تبانی غیر قانونی، حیف و میل بیت المال از جمله عناوین کیفری است که احراز آن عناوین و تعیین مصادیق آن پس از رسیدگی شرعی و قانونی محقق شده و قطعیت می‌یابد و حسب مقررات اصول ۱۵۶ و ۱۵۹ قانون اساسی و مقررات ماده ۳ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی، مرجع رسیدگی و احراز آن قوه قضائیه و محاکم ذی‌صلاح دادگستری جمهوری اسلامی ایران است نه هیأت مصرح در ماده ۲ آیین‌نامه مورد شکایت و یا وزرای عضو هیأت مرقوم، بنابراین آیین‌نامه مرقوم از این جهت که رسیدگی به امر قضایی را به وزرای هیأت دولت و هیأت منصوب از طرف آن تجویز می‌نماید خلاف شرع و خلاف قانون اساسی و خلاف قوانین موضوعه بوده و خارج از اختیارات قوه مجریه می‌باشد.

۴- دولت در اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی و مقررات مربوط به رسیدگی به دارایی‌های وزرا و کارمندان دولت مصوب ۱۳۳۷، خود ذاتاً اختیاری ندارد که به موجب آیین‌نامه مورد درخواست ابطال به هیأت مقرر در ماده

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

۳ آن واگذار نماید. در مواد ۷، ۶ و ۸ آیین‌نامه تکالیف و وظایفی برای اشخاص مقرر گردیده که بدون مبنای قانونی و یا قراردادی بوده و در نتیجه چون ایجاد تکلیف بدون جواز شرعی، قانونی و قراردادی برای اشخاص خارج از وظیفه و اختیار قوه مجریه و هیأت منتخب آن می‌باشد، این امر خلاف اصل ۵۷ قانون اساسی است.

۵- در ماده ۸ وظیفه تحقیق، ثبوت شرعی و احراز طریق نامشروع که امری است واجد وصف قضایی، به عهده اعضای هیأت مصرح در ماده ۲ آیین‌نامه محول گردیده، در حالی که اعضای هیأت مذکور فاقد صلاحیت، قابلیت و تکلیف قانونی برای ورود به موارد مذکور و احراز آن می‌باشند و علاوه بر آن ضمانت اجرای موارد مذکور در این ماده و ماده ۱۹ از حیث ایجاد صلاحیت برای هیأت و دبیرخانه آن خلاف قانون است، بنابراین مراتب مذکور هیأت وزیران: اولاً؛ مغایر اصول تکلیفی شرعی اصل صحت و اصل براءت می‌باشد. ثانیاً؛ خلاف اصول قانون اساسی از جمله اصل ۳۷، اصل ۵۷، اصل ۱۵۶ و اصل ۱۵۹ قانون اساسی می‌باشد. ثالثاً؛ تسری به مواردی فراتر از اصل ۱۴۲ قانون اساسی داده شده است که طبق نظریه شماره ۸۶/۳۰/۲۱۹۷۰ مورخ ۸۶/۴/۲۵ شورای نگهبان در خصوص طرح رسیدگی به دارائی مقامات و مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران در ۳ بند مغایر موازین شرعی و قانون اساسی شناخته شده است.

رابعاً؛ عموم و اطلاق عبارات مقامات و مسئولان جمهوری اسلامی ایران به شرح مصرح در ماده یک آیین‌نامه مورد درخواست شکایت شامل مقامات و مراجع قضایی، نیروهای مسلح و نهادهای تحت نظارت مقام معظم رهبری و سایر مقامات و مراجع خارج از قوه مجریه می‌گردد. لذا خلاف اصول ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۱۱۰ و ۱۵۶ قانون اساسی نیز خواهد بود.

خامساً؛ عموم و اطلاق عنوان دارایی و تلقی واضح آیین‌نامه که شامل کلیه اموال و دارایی اشخاص، بدون استثناء می‌گردد، مغایر ماده ۲ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مبنی بر محکوم به مشروع بودن دارائی اشخاص می‌باشد. بنابه مراتب و جهات مذکور تقاضای طرح موضوع در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به استناد مقررات بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری و ابطال آیین‌نامه موضوع متن شماره ۴۳۸۵۰/۲۷۰۳۵ مورخ ۸۷/۳/۸ هیأت وزیران به شرح فوق را دارد.

مشاور و مدیر کل دفتر امور حقوقی دولت در مقام دفاع، به موجب لایحه شماره ۱۹۳۷/۲۰۱۲۴۴۱ مورخ



فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

۸۹/۹/۲۹، اشعار داشته: با توجه به وصول ایراد ریاست مجلس شورای اسلامی طی نامه شماره ۳۹۱۵۵ ه/ب مورخ ۱۳۸۹/۶/۱۶، دائر بر مغایرت قانونی تصویب نامه مذکور، پیش نویس تصویب نامه اصلاحی جهت رفع ایراد تهیه و به انضمام نامه شماره ۱۱۶۴۷/۱۴۶۷۸۱ مورخ ۱۳۸۹/۹/۱۵ این معاونت ارائه شده است که تصویر سوابق یاد شده ایفاد می گردد.

با عنایت به مراتب فوق دادخواست تقدیمی موضوعاً منتفی می باشد، خواهشمند است وفق ماده ۳۹ قانون دیوان عدالت اداری تصمیم لازم اتخاذ گردد.

دبیر شورای نگهبان نیز به موجب نامه شماره ۸۹/۳۰/۴۰۲۵۹ مورخ ۸۹/۸/۲، نظر فقهای معظم شورای نگهبان را به شرح زیر اعلام داشته است: «ماده ۲ آیین نامه خلاف موازین شرع تشخیص داده شد.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان علی البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی

هر چند مطابق تبصره ۸ قانون الحاق یک تبصره به قانون نحوه اجرای اصول هشتاد و پنج و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسئولیت های رئیس مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۸ و اصلاحات بعدی مصوب ۱۳۸۸/۱/۳۰ در مواردی که رئیس مجلس شورای اسلامی، مصوبات، آیین نامه ها و تصویب نامه های مقامات مذکور در اصل هشتاد و پنج و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی را مغایر با متن و روح قانون تشخیص دهد، نظر وی برای دولت معتبر و لازم الاتباع است و دیوان عدالت اداری نسبت به این گونه موارد صلاحیت رسیدگی ندارد و رئیس مجلس شورای اسلامی نیز طی نامه شماره ۳۹۱۵۵ ه/ب مورخ ۱۳۸۹/۶/۱۶ موارد مغایرت قانونی مصوبه معترض عنه را اعلام نموده، از این جهت موجبی برای رسیدگی در هیأت عمومی دیوان وجود ندارد، لیکن رسیدگی به جهات مغایرت مصوبه با شرع منصرف از حکم مقرر در تبصره فوق الذکر می باشد. و نظر به اینکه فقهای شورای نگهبان طی نامه شماره ۱۳۸۹/۸/۲ مورخ ۸۹/۳۰/۴۰۲۵۹ ماده ۲ آیین نامه معترض عنه را خلاف موازین شرع دانسته اند، لذا به

تاریخ: ۱۳۸۰

شماره:

پیوست:



فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

تجویز ماده ۴۱ و بند یک ماده ۱۹ و قسمت اخیر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری مصوبه مورد شکایت
ابطال و اثر آن به تاریخ صدور تسری خواهد داشت.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

محمدجعفر منتظری